

## ادیب فهیم معاون اول و اجمل عابدی معاون پالیسی امنیت ملی شدند



ادیب احمد فهیم، پسر ارشد مارشال محمد قسیم فهیم، به حیث معاون اول و اجمل عبید عابدی به حیث معاون پالیسی ریاست امنیت ملی افغانستان تعیین شدند. تا اکنون مقام‌های کشور رسماً در این خصوص اظهار نظر نکرده‌اند؛ اما منابع دولتی تأیید کرده‌اند که این دو به حیث معاونان امنیت ملی از سوی رییس جمهوری گماشته شده‌اند. آقای فهیم پیش از این به حیث رییس سیاسی وزارت خارجه کار کرده و آقای عابدی هم به عنوان سخنگوی رییس‌جمهور غنی ایفای وظیفه نموده است. همچنان، دکتر غنی اخیراً سید ظفر هاشمی را به حیث معاون سخنگوی ریاست جمهوری گماشته است. تا اکنون مشخص نیست چه کسی به حیث سخنگوی ریاست جمهوری تعیین خواهد شد.

# جنگِ کندز ده‌ها هزار تن را آواره کرده است



## نهادهای حقوق بشری:

# وضعیت کودکان آسیب‌پذیر در افغانستان نگران‌کننده است

کمیسیون حقوق بشر: مخالفان دولت کودکان را مورد استفاده جنسی قرار داده و هم از آنان در جنگ، حملات انتحاری و جاسازی بمب‌های کنارجاده‌یی، انتقال ابزار جنگی، انتقال و فروش مواد مخدر استفاده می‌کنند

### ابوبکر مجاهد

نهادهای حقوق بشری و صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد، از نقض گسترده حقوق کودکان در افغانستان به شدت ابراز نگرانی کرده و گفته‌اند که از کودکان در جنگ، حملات انتحاری، فروش و قاچاق مواد مخدر و کارهای شاقه استفاده می‌شود. کودکان در افغانستان آسیب‌پذیرترین قشر اجتماعی محسوب می‌شوند و با وضعیت رقت‌باری دست‌وپنجه نرم می‌کنند. دولت افغانستان گفته که برای پایان بخشیدن به مشکلات کودکان برنامه دارد؛ اما نهادهای بین‌المللی و مدافع حقوق بشری می‌گویند که برنامه‌های دولت برای حفاظت از حقوق کودکان کافی نیست.



دکتر غنی ضمن تعلیق وظایف رییس و معاونان اداره آيسا:

## فساد در اداره آيسا بررسی شود



رییس‌جمهور غنی وظایف رییس و معاونان اداره حمایت از سرمایه‌گذاری افغانستان را به حالت تعلیق درآورد و شش تن از مقام‌های وزارت شهرسازی را ممنوع‌الخروج اعلام کرد. این اقدام دیروز در ارگ ریاست جمهوری و پس از جنگ در مقر آيسا صورت گرفته است. در جلسه‌یی که آقای غنی روز گذشته با نمایندگان وزارت تجارت و صنایع، وزارت عدلیه، اداره آيسا و تعدادی از کارشناسان حقوقی و اقتصادی حضور داشت، درباره مشکلات... ادامه صفحه ۶

## رییس‌جمهور ترکمنستان:

# آماده میانجی‌گری میان دولت افغانستان و طالبان هستیم



رییس‌جمهور ترکمنستان با حضور در نشست کشورهای مستقل مشترک‌المنافع و در دیدار با نماینده اشرف غنی، از آمادگی این کشور برای میانجی‌گری در روند مذاکرات صلح دولت افغانستان و طالبان خبر داد. قربان‌قلی بردی محمداف رییس‌جمهور ترکمنستان اعلام کرد: دولت عشق‌آباد برای میزبانی روند مذاکرات صلح دولت افغانستان با طالبان آمادگی دارد. وی در دیدار با شاکر کارگر نماینده ویژه رییس‌جمهور افغانستان در نشست کشورهای مستقل مشترک‌المنافع گفت: ترکمنستان حاضر است این میزبانی را با نظارت سازمان ملل متحد انجام دهد. در ادامه این دیدار نیز کارگر با ابراز امیدواری اظهار داشت: پیشنهاد ترکمنستان مبنی بر میانجی‌گری در روند مذاکرات صلح افغانستان، می‌تواند کابل را در برقراری امنیت و ثبات در این کشور یاری کند.

اسماعیل قاسمیار مشاور روابط بین‌الملل شورای عالی صلح افغانستان نیز در این باره تصریح کرد: این اقدام ترکمنستان برای میانجی‌گری در روند مذاکرات صلح افغانستان یک عمل خیرخواهانه است. وی گفت: عشق‌آباد روابط نزدیکی با رهبران طالبان دارد و می‌تواند نقش موثری در راستای ایجاد صلح در افغانستان ایفا کند. مشاور روابط بین‌الملل شورای عالی صلح خاطرنشان ساخت: ترکمنستان می‌تواند... ادامه صفحه ۶

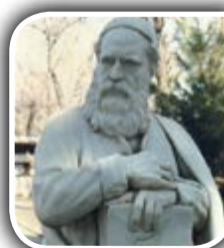
### در برگ‌ها



جایگاه  
کرزی  
کجاست؟



پایان  
بازی



خیام را  
دگرگونه  
باید دید



افغانستان  
لائوس را  
شکست داد



احمد عمران

برخورد آقای کرزی با مسایل افغانستان، از پایگاه قانونی صورت نمی‌گیرد و از آن باید به دولت در درون دولت تعبیر کرد. آقای کرزی شاید از نظر صوری، قدرت را به فرد دیگری منتقل کرده باشد، اما اهرم‌های اصلی قدرت را همچنان در اختیار دارد. دید و بازدیدهای او از کشورهای منطقه و گفت‌وگوهای پنهانی و به دور از چشم رسانه‌هایش با شخصیت‌های سیاسی نه تنها نگران کننده است، بل به شدت بر انقصاب سیاسی دامن می‌زند و نمی‌گذارد که هیچ‌گونه گفت‌وگوهای ملی در افغانستان ایجاد شود

# جایگاه

## کرزی

## کجاست؟



این قدرت دچار خلال و چنددسته‌گی شود، بدون تردید اثرات زیان‌بار خود را بر کل جامعه تعمیم می‌بخشد.

قدرت سیاسی در دولت‌های مدرن، منشای واحد دارد و از این منشاء، رهبری و هدایت می‌شود. اما در افغانستان پس از دولت وحدت ملی، قدرت سیاسی در کشور دچار گسیخته‌گی و چندپارچه‌گی شده است. شاید برخی‌ها اثرات این چنددسته‌گی را در تغییرات امنیتی و اقتصادی کشور به‌خوبی حس کنند، اما یک نگاه سطحی به مسایل نیز نشان می‌دهد که افزایش دامنه نامنی‌ها و بحران اقتصادی موجود، ریشه در چندقطبی شدن قدرت سیاسی در کشور دارد.

برخورد آقای کرزی با مسایل افغانستان، از پایگاه قانونی صورت نمی‌گیرد و از آن باید به دولت در درون دولت تعبیر کرد. آقای کرزی شاید از نظر صوری، قدرت را به فرد دیگری منتقل کرده باشد، اما اهرم‌های اصلی قدرت را همچنان در اختیار دارد. دید و بازدیدهای او از کشورهای منطقه و گفت‌وگوهای پنهانی و به دور از چشم رسانه‌هایش با شخصیت‌های سیاسی نه تنها نگران کننده است، بل به شدت بر انقصاب سیاسی دامن می‌زند و نمی‌گذارد که هیچ‌گونه گفت‌وگوهای ملی در افغانستان ایجاد شود.

در کشورهای دموکراتیک قاعده بر این است که رئیس‌جمهورهای پیشین، عمدتاً از پایگاه قدرت سیاسی عمل نمی‌کنند و حتی کمتر دیده شده که در مسایل مهم کشوری، نظراتی ارایه کنند که خلاف روال اصلی سیاست‌های دولت باشد. چرا چنین است؟! چون دخالت‌های این‌چنینی می‌تواند فضای سیاسی را به کنش‌های تقابلی تقلیل دهد و بدبینی بیافریند.

آقای کرزی حالا در هیأت چنین شخصیتی خود را مطرح کرده است؛ کسی که می‌خواهد همچنان حرف اول و آخر را در سیاست‌های کشور مطرح کند و کل فضای سیاسی را به خود اختصاص دهد. اگر برخورد آقای کرزی متوازن و قانون‌مند نشود، می‌تواند آثار مخربی بر وضعیت کشور تحمیل کند که در آینده قابل مدیریت نمی‌باشد!

تا مانع برگزاری انتخابات سالم و شفاف میان تیم‌های معدودتری شوند. به همین دلیل دیدیم که انتخابات به صورت فاجعه‌باری به یک مصیبت ملی تبدیل شد و افغانستان را تا آستانه جنگ‌های داخلی سوق داد.

در همین حال، از نفوذ ویژه آقای کرزی بر کمیسیون‌های انتخاباتی نیز نمی‌توان چشم پوشید. برخی از مشکلات انتخاباتی که مستقیماً از سوی نهادهای انتخاباتی مدیریت می‌شدند، دقیقاً خاستگاه اصلی آن‌ها ارگ ریاست جمهوری در محوریت آقای کرزی بودند. حالا نیز آقای کرزی همچنان تلاش‌های مضاعفی را آغاز کرده که نشان دهد قدرت اصلی در افغانستان در محور او باقی است و اگر الترناتیفی برای شرایط بحرانی و وخیم کشور می‌تواند وجود داشته باشد، این الترناتیف به وسیله او شکل می‌گیرد.

سفر اخیر آقای کرزی به چین، پیام‌های مشخصی را می‌تواند ارایه کند. چین به عنوان کشوری که میزبانی گفت‌وگوهای صلح را به عهده گرفته، در سپهر سیاست‌های منطقه، نقش کلیدی به خود اختصاص داده است. حالا بیشتر نگاه‌ها به این کشور و عملکرد آن برای ایجاد نوعی هماهنگی در روند گفت‌وگوهای صلح دوخته شده است.

آقای کرزی وقتی به این کشور سفر می‌کند، می‌خواهد نشان دهد که به دور از بحث‌های داغ سیاسی قرار ندارد. سخنان آقای کرزی با معاون رئیس‌جمهوری چین به هیچ‌وجه سخنان یک رئیس‌جمهوری متقاعد نیست. او به گونه‌ی حرف می‌زند و عمل می‌کند که گویا همچنان در ارگ ریاست جمهوری اقامت دارد و قدرت سیاسی در اختیارش است. حالا با توجه به وضعیت شکننده دو تیم موجود در قدرت سیاسی که به گونه رسمی اقتدار سیاسی را به چنگ آورده‌اند، اگر قدرت‌های دیگری نیز خود را هم‌سطح با آن‌ها فرض کنند و از چنین موقعیتی بخواهند وارد تعاملات سیاسی شوند، وضعیت کشور چه خواهد شد؟!

بدون شک بحران موجود به جای این‌که راه‌حل منطقی و قانونی بیابد، به صورت دراماتیکی می‌تواند ابعاد تازه‌تری کسب کند. زیرا قدرت سیاسی تعیین‌کننده وضعیت کشور است و اگر

از روزی که دولت وحدت ملی در افغانستان بنا بر ضرورت‌ها و مشکلات ایجاد شد تا امروز که نزدیک به ۹ ماه از عمر آن می‌گذرد، این دولت همچنان دستخوش سیاست‌های چندگانه است که از منابع مختلفی نشأت می‌گیرند.

تقسیم قدرت میان دو تیم انتخاباتی هرچند در توافق‌نامه سیاسی که به امضای رهبران آن‌ها رسیده، به صورت دقیق تسجیل شده، اما در عمل دیده می‌شود که اختلاف‌نظرها در این مورد چنان عمیق است که نمی‌توان از سیاستی واحد در دستگاه دولت سخن گفت. نتیجه این امر، سایه سنگین نامنی‌ها، عدم هماهنگی میان نهادهای حکومتی و حس بی‌اعتمادی میان اعضای رهبری دولت است.

در کنار این‌ها، معضل کلان دیگر، رئیس‌جمهوری پیشین افغانستان حامد کرزی است که همچنان به عنوان رئیس‌جمهوری بحال عمل می‌کند. این موضوع سبب شده که سکان قدرت دولتی علاوه بر ریاست جمهوری و ریاست اجرایی، نشان دیگری نیز پیدا کند.

سفرهای مکرر و گاه مرموز رئیس‌جمهوری پیشین به کشورهای همسایه و دیدارها و نشست‌های او با سران سیاسی و شخصیت‌های بانفوذ کشور، تنها در محور دغدغه‌های ملی شکل نگرفته است. آقای کرزی، نگران حال و آینده افغانستان نیست و در طول سیزده سال حکومت‌داری خود، نشان داد که فاقد هرگونه طرح و برنامه برای تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب است. اما آقای کرزی یک دغدغه کلان و مهم دارد و آن حفظ قدرت سیاسی است.

پیش از برگزاری انتخابات سال گذشته، بارها رسانه‌های داخلی و خارجی گزارش دادند که آقای کرزی تلاش‌هایی را آغاز کرده که مانع برگزاری انتخابات شود. این گزارش‌ها همواره از سوی رئیس‌جمهوری پیشین و حلقه نزدیک به او رد شده بود، اما علایم و نشانه‌های زیادی دال بر صحت آن‌ها نیز وجود داشت و از جمله این‌که به صورت جهشی، شمار نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در دقیقه نودم، سیر صعودی به خود گرفت و بسیاری‌ها باور دارند که برخی از شخصیت‌های سیاسی به اشاره آقای کرزی وارد میدان انتخابات شدند

## سخن‌ماندگار

### مبارزه با فساد؛

### اقدامی اساسی یا حربه‌ی سیاسی؟

به نظر می‌رسد که حالا بار دیگر نوبت فساد رسیده است. رئیس‌جمهور غنی، وظیفه شش مقام وزارت شهرسازی را به حالت تعلیق درآورده و آن‌ها را به دادستانی معرفی کرده است. این در حالی است که پیشتر از این، رئیس‌جمهور حکومت وحدت ملی، پس از نمایش مضحکی که در اداره حمایت از سرمایه‌گذاری (آیسا) به‌پا شد، هیأتی را برای رسیده‌گی به این پرونده و عملکرد این اداره تشکیل داد. در این قضیه هم رئیس‌جمهور دستور به تعلیق کار سرپرست و معاونان این اداره داد و هیأت متذکره را به منظور «تفتیش و بررسی فساد در آیسا و درگیری بر سر تشکیلات این اداره» تعیین کرد. این اقدامات اخیر رئیس‌جمهور می‌تواند نشانگر گشایش فصل جدیدی از روند مبارزه با فساد باشد که پیش از این، سران حکومت وحدت ملی بارها مردم را به آن وعده داده بودند. هرچند از یک منظر دیگر، این اقدامات می‌تواند در پشت عنوان پُر زرق و برق «مبارزه با فساد»، نوعی تطبیق نظام فیلترینگ اداری و یا هم حربه‌ی برای تحریف توجه مردم به عمل کرد سراپا نقص این حکومت باشد.

این اولین باری نیست که حکومت وحدت ملی و مشخصاً رئیس‌جمهور غنی بر طبل مبارزه با فساد کوبیده است. دفعه پیش، او با سروصدایی بیشتر و چهره‌ی مصمم‌تر پس از نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری، پرونده بزرگ‌ترین فساد مالی در کشور یعنی پرونده کابل‌بانک را باز کرد و آن را به دست دادستانی و نهاد قضایی کشور سپرد. او در قبال این پرونده نه تنها که دستور به بازبینی و رسیده‌گی به آن داد، که میعاد مشخصی را هم برای آن تعیین نمود تا نشان دهد که به اندازه کافی در قبال آن مصمم است. با این وجود اما متأسفانه عاقبت کار این پرونده به فرجام قناعت‌بخشی نینجامید. هرچند که چند تن از عاملان این پرونده به میز محاکمه کشیده شدند و دارایی‌های چند تن دیگر ضبط شد و عده‌ی هم یا رهسپار زندان شدند و یا تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند؛ اما در این پرونده هیچ‌یک از چهره‌های قدرتمند و باپشتوانه‌ی که در حکومت پیشین بودند و یا در این حکومت هستند، با وجود آن‌که بعضاً تا گلو در این پرونده غرق بودند، به پای میز محاکمه نرفتند.

حضرت عمر زاخیلوال، وزیر پیشین مالیه و مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور غنی از جمله چهره‌هایی بود که نام او به‌نحوی در فهرست دست‌اندرکاران این فساد مالی نجومی بود؛ با وجود این اما تا کنون هیچ محکمه‌ی از او نام و نشانی نبرده و او همچنان بر همای سعادت سوار است. یکی از علت‌های اصلی ناخرسندی مردم از پیگیری پرونده کابل‌بانک، همین معافیت بخشیدن به افرادی مانند زاخیلوال بوده است. با توجه به این مصونیت بخشیدن‌ها و معافیت دادن‌های فراقانونی، حتی اگر رئیس‌جمهور غنی به‌راستی هم عزمی برای مقابله با فساد داشته باشد، باز هم نمی‌توان به گونه جدی به آن نگاه کرد. به‌خصوص این‌که در شرایط کنونی، مسایل درون‌حکومتی بسیاری وجود دارد که ایجاب به میان کشیدن مساله فساد با هدف تحریف افکار عمومی را می‌کند.

یکی از مسایل مهمی که به‌خصوص در قبال پرونده اداره آیسا به‌صراحت می‌توان به آن پرداخت، رقابت بر سر جایگزینی عناصر خودی به‌جای عناصر پیشین است که گاهی راه انداختن بازی‌هایی مانند بازی «مبارزه با فساد» را می‌طلبد. برکناری یک‌بارۀ هر سه معاون اداره آیسا که ظاهراً معیار و مخالف اساس‌نامه داخلی این اداره است و داخل شدن معاونان جدید با نیروهای مسلح به این اداره، چند روز پیش به رسوایی انجامید. حالا گماشتن هیأتی از سوی رئیس‌جمهور به منظور مبارزه با فساد، می‌تواند تلاشی برای سرپوش گذاشتن بر رسوایی چند روز پیش باشد. هرچند که هیچ‌کس نمی‌تواند به قطع از عدم حضور فساد در اداره آیسا سخن بگوید و این اداره هم تافته جدابافته‌ی سایر ادارات فسادپیشه کشور نیست، اما گمان می‌رود که این هیأت، بیشتر به‌هدف مشروعیت بخشیدن به موضع حکومت در قبال برکناری یک‌بارۀ هر سه معاون آیسا برخلاف اساس‌نامه داخلی این اداره، به‌میان آمده است.

به این ترتیب، اگر اقدام جدید رئیس‌جمهور به منظور بررسی پرونده فساد مقامات وزارت شهرسازی، حربه‌ی سیاسی برای جایگزین کردن مهره‌های خودی باشد، در پیش چشم مردم هیچ ارزشی نخواهد داشت. به علاوه، نیت ناپسندیده دیگری که می‌تواند در پس این مانورهای نمایشی مبارزه با فساد باشد، منحرف کردن افکار عمومی از چالش‌ها و تنش‌های چندلایه موجود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی است. در روزگاری که رئیس‌جمهور بی‌خبر از مردم و نماینده‌گان‌شان، نقشه امضای تفاهم‌نامه استخباراتی با آی‌اس‌آی را طرح و عملی می‌کند، شاید مبارزه با فساد گریزگاهی بیش برای گمراه کردن توجه مردم نباشد! یا وقتی رئیس‌جمهور علی‌رغم همه امتیازاتی که به جانب پاکستانی و طالبان حاتم‌بخشی می‌کند، با ناز مقامات طالبان برای گفت‌وگو در قطر روبه‌رو می‌شود و مجبور به پس انداختن سفر خود می‌گردد، گمان می‌رود که پس از برگشتن، با حرکت‌های نمادین مبارزه با فساد می‌تواند کارکرد خوبی در جلب حمایت و نظر مردم داشته باشد.

مسلماً مبارزه با فساد، اقدامی ضروری است. در شرایط کنونی، فساد همان موربانه‌ی شده که پایه‌های متزلزل نظام را از درون می‌خورد و می‌پوساند. باید بی‌چون‌وچرا به این مبارزه پرداخت؛ اما به شرط آن‌که در پس این اعمال، مانند بسیاری از اقدامات دیگر، نیت حذف بخشی از غیرخودی‌ها از بدنه قدرت نهفته نباشد؛ بلکه اگر نیت مبارزه با فساد است، باید این مبارزه مجموعه فاسدان و چه بسا آن‌هایی را که مردم بیشتر از همه به آن‌ها مظنون‌اند، در بر گیرد.



# دیدگاه‌های نخبه‌گان



## بخش دوم

یادداشت: «افغانستان به کدام مسیر روان است»، عنوان نشست جمع بزرگی از نخبه‌گان کشور پیرامون وضعیت نگران‌کننده جاری بود که روز دوشنبه (۴ جوزا) از طرف کنفرانس آجندای ملی در کابل برگزار گردید.

در این نشست، نخبه‌گان سیاسی و تحلیل‌گران، ۹ ماهه‌گی دولت وحدت ملی را به نقد و بررسی گرفتند و نگرانی‌های خود را از ناحیه بازی کلان و پروژه بزرگ، موج افراط‌گرایی، پدیده نوظهور داعش، نقش آی‌اس‌آی و موقعیت نامعلوم افغانستان ابراز داشتند. نقش برجسته نخبه‌گان کشور در معادلات جاری نیز مورد گفت‌وگو قرار گرفت.

اشتراک‌کننده‌گان این کنفرانس ضمن تأکید بر تقویت نظام اما تغییرات در نحوه حکومت‌داری، تطبیق مو به موی تفاهم‌نامه اما دعوت لویه جرگه اضطراری در مدت شش ماه، به ضرورت تهیه یک استراتژی مدون ملی در چارچوب آجندای ملی، سرتاسری ساختن کنفرانس‌های دائم‌الفعال آجندای ملی، تشخیص مشکلات و یافتن راه حل‌ها و سایر مسایل ملی پرداختند.

اینک دیدگاه‌های مطرح شده توسط نخبه‌گان این کنفرانس را می‌خوانید:

سیداشراق حسینی نویسنده و پژوهش‌گر:

در قدم نخست سلام و خیرمقدم عرض می‌کنم بر همه مهمانان گرامی. هم‌چنان تشکر می‌کنم از جناب احمد ولی مسعود برادر عزیزم که صحبت جامعی ایراد فرمودند.

نمی‌خواهم به دنبال سخنان جناب احمدولی مسعود، سخنرانی کنم و طبق آجندا، برنامه همین است که سخنان شما را گوش کنیم و مجلس را به گونه‌ی نظم دهیم که همه فرصت صحبت مختصر را داشته باشند.

همان‌گونه که آقای مسعود فرمودند، شکی وجود ندارد که امروز ما در یک موقعیت خطیر قرار داریم و این موقعیت همه مردم افغانستان، مخصوصاً نخبه‌گان افغانستان را ملزم می‌کند تا مسایل را به بحث بگیرند و به نمایندگی از حوزه عمومی جامعه افغانستان، مسایل را تحلیل کنند و از میان این تحلیل، نگاهی به امروز و آینده ترسیم کنند. این تصویر را باید به دست دهند و هم‌چنان وضع موجود را که نا به سامان است، جنبه‌های مختلف آن را بنمایانند.

یقیناً نگرانی بسیار جدی‌ست و این نگرانی حکایت از یک بحران در جامعه ما دارد؛ به همین خاطر هم است که دانشمندان علوم اجتماعی بحران را بسیار ساده تعریف می‌کنند و می‌گویند: هر ساختاری که برایش وظایف تعریف شده باشد و آن وظایف را اجرا کرده نتواند در آن صورت میان توانایی، کارآمدی و ناکارآمدی، ساختار و وظایف ساختار، یک نوع ناهم‌آهنگی به وجود می‌آید که این ناهم‌آهنگی زمینه بحران را شکل می‌دهد.

فکر می‌کنم ایجاب می‌کند تا در مواجهه با این بحران و

نا به سامانی، ما و شما با هم مکالمه کنیم و زمینه مفاهیم و زبان مشترک و ارایه یک تصویر مشترک را به‌خاطر مواجهه با قضایای امروز و آینده پیشکش کنیم.

اگر اجازه بفرمایید، شیوه کار را خدمت شما مطرح می‌کنم. یکی از شیوه‌ها همین بوده که اگر قرار است گفت‌وگویی مطرح شود، یادداشت و یک تصویری داده می‌شده و بعداً پیرامون آن بحث می‌شده است؛ اما، امروز شیوه را به این گونه مطرح می‌کنیم که سخنان شما را یادداشت می‌گیریم و از میان سخنان شما آن تصویر کلی را چارچوب‌بندی خواهیم کرد.

خلیل رومان- نویسنده:

آنچه جناب احمد ولی مسعود فرمودند، واقعیت‌هایی‌ست که همواره به وقت و زمان به آن توجه کرده و موضع‌گیری درست داشته‌اند که در این میان، ما هم در حد بسیار محدود و با گام‌های لرزان همراه شان بوده‌ایم.

پیشنهاد من این است که از توضیحات جانبی اگر بگذریم در یک روز ناممکن که یک طرح جامع از همه مسایل افغانستان داشته باشیم.

بیاید اول در تشخیص مشترک شویم؛ آیا تشخیصی که ما ارایه می‌داریم، مطابق به واقعیت‌های زمان و اوضاع جاری کشور ما در اداره، فرهنگ، اقتصاد، در برداشت از تاریخ، دین، همسایه‌های دور و نزدیک، مشترک هستیم و یا تفاوت داریم؛ اگر مشترک هستیم، بسیار خوب، اگر تفاوت داریم، باید این تفاوت‌ها را با هم نزدیک سازیم، در غیر آن تا زمانی که به یک تشخیص مشخص نرسیم راه حل‌های ما متفاوت خواهد بود.

فکر می‌کنم که ما در تشخیص مشکل داریم. در این میان، سه نوع تشخیص داریم. یکی، کسانی است که از خاطر گل‌رویی که در دولت دارند و یا خودشان در دولت هستند، تشخیص را نا درست عنوان می‌کنند.

دوم، کسانی‌اند که متناسب با رفتار خود و یا رفتار دولت با او تشخیصی را ارایه می‌دارند.

سوم، گروهی است که متناسب با منافع ملی افغانستان یک تشخیص دورنمایی ارایه می‌کنند. اگر ما از میان این سه تشخیص به یک تشخیص نرسیم، راه حل‌هایی را که ارایه می‌کنیم، متفاوت است.

از این جهت، آقای احمدولی مسعود بسیار تلاش کرده‌اند و زحمت کشیده‌اند، چه در طرح آجندای ملی و چه در تفاهماتی که با نامزدان محترم داشتند، ولی چون تشخیص‌ها عمومی و توافق شده نبود، همان‌گونه‌ی که گفته شد، دوستانی که خود را نامزد کرده بودند به این تفاهمات واقعی نگذاشتند و حالتی آمد که ما دچار بحران شدیم و حکومت وحدت ملی را ساختیم.

آنچه که بسیار مهم است این که، بعد از تشخیص راه حلی که ارایه می‌شود باید توافقی باشد و این راه حل با بزرگان افغانستان شریک ساخته شده و نظریات آن‌ها نیز به شکلی از اشکال گرفته شود تا به طرف تطبیق این راه حل، گام برداریم.

یکی از دشواری‌هایی که حکومت وحدت ملی با آن مواجه است راه نامکشوف است که اراده‌ی برای

کشف این راه وجود ندارد؛ حالا اراده‌ها تنزیل کرده در سطح این که باید چانه‌زنی شود و کوشش شود که افراد خودی در درون حکومت جابجا شود؛ اگر نفر اول از طرفی است باید نفر دوم از طرف من باشد که در این جا کیفیت کار مطرح نیست. بنابراین، فکر می‌کنم که اگر ما به این چند اصل مهم چنگ بزنیم که عبارت از: یک- اداره با تمام زیر مجموعه‌های آن چه از لحاظ استخدام و ساختار و از چه از لحاظ قطب‌هایی که اداره را رهنمایی می‌کند و همان اصول توافق شده است.

دو- در قضا و سه- قانون‌گذاری؛ به سعادت می‌رسیم، اگر ما این سه رکن را بیشتر ملی بسازیم و از خواست‌های صنفی بگذریم و به خواست‌های ملی انکشاف دهیم، حلقه‌های کوچک برداشته و کار ما برای آوردن ثبات در کشور آسان خواهد شد.

بعد از این، اگر ما یک طرح عمومی فرهنگی داشته باشیم که با استفاده از تشخیص‌های درون کشوری ترتیب شده باشد که چگونه جامعه مدنی ما در رویارویی با جامعه سنتی قرار نگیرد، هر دوی آن چگونه با هم تلفیق پیدا کنند؛ دیدگاه‌هایی که این‌ها را با هم گره بزنند، پیدا شود و گام به گام این دو برای رسیدن به اهدافی که نشانی کرده‌اند، حرکت کنند، با تقابل مواجه نخواهیم شد.

مسئله بیرونی را بسیار کوتاه مطرح می‌کنم که داعش و گروه‌های دیگر برای ما یک خطر است، اما تا امروز معلوماتی که وجود دارد همین که داعش یک خطر فی نفسه برای افغانستان نیست؛ بستگی به این دارد که اگر با پندار تاریخی باز خلافت اسلامی را بوجود بیاورند باز چگونه می‌شود که افغانستان با آنان معامله کنند؛ اما نگران هستیم که تغییر لباس و بیرق طالبان و گروه‌های دیگر در منطقه تهدیدی است که باید بالای آن توجه شود.

سمیع دره‌یی- آگاه سیاسی:

سپاس‌گذار جناب احمد ولی مسعود و کنفرانس آجندای ملی که این برنامه را برگزار کردند.

من بحث را از این جا آغاز می‌کنم، همان‌گونه که آقای احمد ولی مسعود در پیش زمینه صحبت‌های خود گفتند، افغانستان در کجای بازی‌های بزرگ بین‌المللی قرار دارد. آیا افغانستان در این بازی‌ها جایگاهی دارد و یا خیر؟ برای من این بحث بسیار جالب است.

اگر قرار باشد که افغانستان به عنوان یک کشور جهان سومی در بازی‌ها مطرح شود، بدون شک آیا افغانستان به عنوان یک طرف در نقطه بحران توانسته برای خود جایگاهی داشت باشد یا خیر که یک بحث بسیار جدی است؛ اما، فکر می‌کنم که متأسفانه افغانستان به عنوان یک کشور جهان سومی تا هنوز یک بازی‌گر بسیار بزرگ نیست و فقط یک ابزار برای بازی بازی‌گران بزرگ جهان است. در چینی شرایطی هم افغانستان می‌تواند فرصت‌های را برای خود کمایی کند.

همان‌گونه‌ی که آقای مسعود هم اشاره کردند، ما واقعاً میراث‌دار یک حکومت مافیایی و فرسوده هستیم؛ از این مورد هیچ‌کسی چشم‌پوشی کرده نمی‌تواند که بار

تمام ملامتی‌های را که آقای کرزی قبلاً در افغانستان بوجود آورده، امروز می‌کشیم؛ تصور می‌کنم افغانستان تا حال در مسیری که آمده حداقل در سیاست‌های خارجی خود یک مقدار تغییراتی و تحولاتی را رونما کرده، خوب است که تنها نیمه خالی پیاله را نبینیم که بدون شک افغانستان در بازی‌های کلان جهانی هر چند نتوانسته است جایگاه ویژه برای خود داشته باشد، اما منخبت یک بازی‌گر کوچک توانسته کارهای را انجام دهد که خلاف مسیری را که در طول چهارده سال گذشته بوده، حرکت کند.

در مسیری که ما روان هستیم، حداقل در سیاست‌گذاری‌های خارجی به نظر من، کارهای خوبی انجام شود و طلسم‌های زیادی در سیاست جهانی شکستاده شده است.

در رفتن افغانستان به عنوان یک پُل رابط به‌خاطر ایجاد صلح در افغانستان که یکی از اولویت‌ها برای مردم افغانستان است، می‌تواند یک فرصت باشد و یا نه. فکر می‌کنم، افغانستان مسأله صلح را می‌پیماید و بدون شک که افغانستان به صلح نیاز دارد و این صلح از همان دریچه‌ی که باید برگردد، پاکستان است. زمانی که ما با یک ذهن کاملاً آماده سیزده ساله وارد تعامل با یک کشوری به مانند پاکستان می‌شویم، حساسیت‌ها بر انگیزخته می‌شود. افغانستان خود را به یک مسیری برابر می‌کند که به اولویت خود برسد، در این میان شاید تاوان‌های زیادی را بپردازد و با بازی‌های نیز مواجه شود.

بحث دیگر این است که افغانستان تنها دهلیزی برای تأمین امنیت و زدایش جنگ نیست، هر چند ما یک کشور حایل هستیم؛ اگر ما خواسته باشیم و یا نباشیم در جغرافیایی که ما زنده‌گی می‌کنیم، مورد منازعه است و هر قدرتی به‌خاطر این که جنگی را در دنیا خصوصاً در منطقه، به نمایش بگذارد باید از افغانستان عبور کند؛ افغانستان از این ناحیه کم طالع‌ترین کشور است.

وقتی ما با چنین وضعیتی گرفتار هستیم، حداقل کاری را که دیپلماسی فعال افغانستان باید انجام دهد همین است که افغانستان این دهلیز جنگ استخباراتی و نظامی را می‌تواند به یک دهلیز تجارتي تبدیل کند و به عنوان یک کشوری که فرصت‌های را دهلیز تجارتي بودن خود در پیش رو دارد، تجربه کند؛ ما می‌توانیم از امکاناتی که در منطقه وجود دارد با ایجاد توازن و توسعه یک نوع توازن هم برای چین و هم در نزدیکی با ترکیه و پاکستان بتوانیم مسیر گذشته را تغییر دهیم، این کار یک فرصت برای افغانستان است.

در بُعد داخلی، افغانستان بدون شک مشکلاتی زیادی را دارد، همان‌گونه که پیشتر هم گفته شد، ما قانون را تطبیق کرده نتوانستیم و تا زمانی که نتوانیم تطبیق قانون را در افغانستان تجربه کنیم، مشکل ما با بر جا خواهد بود و تا زمانی که ما میان هر دو رهبر دولت وحدت ملی اعتمادسازی نکنیم و آن‌ها را به تیم واحد مبدل نسازیم، مشکل خواهیم داشت.



بخش نخست

# کنترل دیابت

## با کاهش اضطراب



محسن حسن زاده - کارشناس ارشد روان‌شناسی

دیابت، شایع‌ترین و گران‌ترین بیماری غدد در جهان است که زمانی بروز می‌یابد که انسولین یا هورمون کاهش‌دهنده شکر خون در بدن به میزان کافی از لوزالمعده ترشح نمی‌شود و یا انسولین موجود نمی‌تواند وظایف خود را به درستی انجام دهد، در نتیجه شکر خون نمی‌تواند به طور موثری وارد سلول‌های بدن شود و مقدار آن بالا می‌رود.

بر این اساس در واقع مبتلا به دیابت شده‌ایم. البته بالا بودن شکر خون یک روی ماجراست و روی دیگر آن، عوارضی است که در سیستم قلب و عروق، کلیه‌ها، چشم و سلسله‌اعصاب بروز پیدا می‌کند.

اما نکته قابل توجه در خصوص این بیماری آن است که پیش‌گیری از درمان آن مهم‌تر است و رمز پیش‌گیری از بروز دیابت در تحرک کافی، تغذیه مناسب و کنترل استرس خلاصه می‌شود که در این میان استرس هم در بروز و ابتلای به بیماری موثر است و هم در بالا رفتن بی‌رویه شکر خون در مبتلایان به دیابت تأثیر دارد.

یک فشار ضعیف برای کار و مدیریت کردن مشکلات و مسایلی که همه به نوعی با آن مواجه هستیم، لازم است، اما اگر این فشار زیاد و طولانی مدت باشد، ارگان‌های بدن از هم می‌پاشد و در قالب فشارهای روانی ناشی از استرس بروز می‌کند. از سوی دیگر بررسی‌ها نشان داده است که اکثریت قریب به اتفاق افرادی که استرس دارند، مبتلا به بیماری‌های قلبی و همین‌طور دیابت هستند، اما با کنترل و مدیریت استرس می‌توان میزان مازاد شکر خون در افراد دیابتی را به طور قابل ملاحظه‌ای پایین آورد.

### استرس و بالا رفتن شکر خون

متخصصان غدد تأکید می‌کنند که استرس زیاد سبب ترشح هورمون‌های متعددی در بدن می‌شود که بعضی از این هورمون‌ها شکر خون را افزایش می‌دهد. بالا بودن شکر خون به هر دلیلی که باشد، می‌تواند به بخش‌هایی از بدن آسیب برساند. به این دلیل متخصصان همیشه به بیماران دیابتی توصیه می‌کنند که شکر خون خود را در حد پایینی نگه دارند و اگر در محیط کار یا زندگی‌شان عامل استرس‌زا وجود دارد، آن را کاهش دهند، چون یکی از راه‌های درمان تنظیم شکر خون، از بین بردن استرس است. حتی در برخی موارد مصرف داروهای ضد استرس به بیماران دیابتی توصیه می‌شود.

### آیا من استرس دارم؟

روانشناسان افرادی را که استرس دارند، این‌گونه معرفی می‌کنند: تند حرف زدن و پرخاش‌گر بودن، عجل و کم‌صبر بودن، بلندپروازی، تند راه رفتن و تند غذا خوردن، کمال‌گرایی افراطی و مقایسه خود با دیگران. چنین افرادی معمولاً از بازده کار خود ناراضی‌اند و از خود و زنده‌گی‌شان توقع زیاد دارند و نه فقط تمایل به رهبری در جمع و انجام چند کار با هم را دارند، بلکه به طور افراطی نگران آینده‌اند و حتی شب‌های‌شان، قبل از خواب به فکر کردن، مقایسه کردن و حرص خوردن می‌گذرد.

همچنین نگران بودن قبل از خواب به این دلیل که عمرمان تلف شده و از دیگران عقب مانده‌ایم، در کنار کار زیاد و بیش از اندازه از ویژه‌گی‌های افراد استرسی است.

بخش بیست و یکم

# پایان بازی



فهرم دشتی

مشکلات و رسوایی‌های آن - دکتر اشرف غنی به ریاست جمهوری رسید و نقش امریکا در این مورد بسیار واضح بود، زمینه‌سازی برای حل مشکل دیورند در حضور یک رهبر پشتون می‌تواند باشد. با این حال، می‌توان به شایعاتی که در بالا ذکر شد، بیشتر باور پیدا کرد.

### - آب‌های مشترک:

پاکستان با مشکل شدید کمبود آب مواجه است و این کمبود از یک‌سو مشکلات محیط زیستی را می‌تواند برای پاکستان به بار بیاورد، هم در زمینه تولید انرژی برق برای پاکستان مشکل‌ساز می‌شود و از سوی دیگر، باعث آسیب‌دیده‌گی زراعت در پاکستان خواهد شد. تولید فرآورده‌های خوراکی و صادرات آن، بخش مهمی از اقتصاد پاکستان را می‌سازد و کمبود منابع آبی می‌تواند به اقتصاد پاکستان صدمه‌های بزرگی وارد کند.

هند بر سر راه آب‌های مشترکی که با پاکستان دارد، بندهای بزرگی زده و به این ترتیب، جریان آن آب‌ها به پاکستان را بسیار کاهش داده است. حالا پاکستان نگران است که اگر در افغانستان نیز چنین طرح‌هایی پیاده شود، آب در پاکستان به یک منبع دست‌نیافتنی مبدل شود.

پاکستانی‌ها هم در نشست‌های رسمی و هم در دیدارهای غیررسمی و حتی از طریق رسانه‌ها و نهادهای جامعه مدنی در آن کشور، پیوسته این مسأله را تأکید می‌کنند.

در این مورد نیز نیاز است که پاکستان و افغانستان بر مبنای قوانین بین‌المللی تقسیم آب به توافقات دقیق برسند.

در غیر این صورت، افغانستان که برای ایجاد سیستم‌های آبیاری بهتر و تولید انرژی برق از رودخانه‌های مختلف، به استفاده از این آب‌ها نیاز دارد، نخواهد توانست به این اهدافش دست یابد. واضح است که افغانستان، خود توان طراحی و ساخت بندهای بزرگ آب‌گردان و تولید برق را ندارد و در این زمینه نیاز به کمک‌ها یا شاید هم قرضه‌های جهانی دارد و کمک‌کننده‌گان و قرضه‌دهنده‌گان جهانی، پولی برای این‌گونه طرح‌ها اختصاص نخواهند داد؛ مگر این‌که مشکل جدی میان افغانستان و همسایه‌گانش بر سر تقسیم و مدیریت منابع آب‌های مشترک، وجود نداشته باشد.

### - حضور و نفوذ هندوستان:

پاکستان از گسترش نفوذ و حضور هند در افغانستان، جدا نگران است.

پاکستانی‌ها باور دارند که هند به حمایت از گروه‌های مسلح مخالف و جدایی‌طلب پاکستان در شرق و جنوب افغانستان می‌پردازد. یکی دیگر از نگرانی‌های پاکستان، حمایت هند از افراد و گروه‌هایی در افغانستان است که خود را داعیه‌دار مسأله دیورند و پشتونستان می‌دانند. هندی‌ها در سال‌های اخیر به تعدادی از رسانه‌ها، نهادهای جامعه مدنی و احزاب سیاسی افغانستان که شعار پشتونستان و دیورند را سر می‌دهند، کمک‌های فراوانی انجام داده‌اند. در واقع مسأله دیورند و پشتونستان برای هندی‌ها اهمیت استراتژیک ندارد و آنان صرفاً می‌خواهند با حمایت از افراد و گروه‌هایی که این‌گونه شعارها را سر می‌دهند، به نگرانی‌های پاکستان، بیشتر دامن بزنند و پاکستان را همچنان در مسأله افغانستان مشغول نگه دارند. (تلاش هند برای مصروف نگه داشتن پاکستان در مسأله افغانستان قبلاً در بخش رابطه هند و پاکستان، توضیح داده شد.)

رسمی و قانونی دو کشور محسوب می‌گردد. پاکستانی‌ها باور دارند که افغانستان نمی‌تواند در یک معامله دوجانبه، با دنبال کردن ادعایش در مورد تعلق داشتن بخش‌هایی از خاک پاکستان به افغانستان، به مقصد برسد؛ چنان‌که از نظر روابط بین‌المللی نیز افغانستان در این زمینه موفقیتی به‌دست نخواهد آورد.

با این حال، این نگرانی هنوز در پاکستان وجود دارد که در صورت تأمین ثبات و ایجاد یک حکومت قدرتمند در افغانستان، ممکن است افغان‌ها یک بار دیگر این ادعا را پیش کشیده و باعث ایجاد مشکلاتی برای پاکستان شوند. به این دلیل هم است که پاکستانی‌ها قبل از اعمال استراتژی جدیدشان در قبال افغانستان، می‌خواهند خاطرشان از این مسأله راحت شود. در سال‌های گذشته، بارها مقامات پاکستانی این مسأله را با مقامات افغانستان مطرح کرده‌اند؛ ولی هنوز پاسخی به‌دست نیاورده‌اند. پس از تشکیل دولت وحدت ملی و دیدارهای متعدد رهبران این دولت با مقامات دولت ملکی پاکستان و نظامیان آن کشور، شایعاتی در مورد این‌که دو طرف برای رسیدن به یک راه‌حل مورد قبول برای هر دو جانب، به توافق‌هایی رسیده‌اند، پخش شد. هرچند هیچ طرفی نخواست در این مورد رسماً اظهار نظر کند.

به هر حال، تنها راه رسیدن به تفاهم در این زمینه، آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه و در صورت نیاز، با میانجی‌گری شرکای بین‌المللی افغانستان و پاکستان برای حل کامل این مشکل است و نتیجه‌یی که می‌توان برای حل این مشکل تصور کرد، تنها از طریق این‌گونه گفت‌وگوها به‌دست آمده می‌تواند، نه از طریق شعار دادن در مورد پشتونستان از یک‌طرف و یا انکار کامل این مشکل از جانب دیگر.

این تفاهم باید پیش‌زمینه‌هایی داشته باشد که بدون آن، رسیدن به تفاهم ناممکن به نظر می‌رسد. یکی از نمونه‌های این‌گونه پیش‌زمینه‌ها، توافق یک رهبر پشتون در افغانستان با این مسأله است. در صورتی که قرار باشد یک رهبر غیرپشتون به حل مسأله دیورند با پاکستان اقدام کند؛ ولو این‌که توافق برای رسیدن به این هدف با بهترین امتیازات برای افغانستان به‌دست آید، اقوام پشتون افغانستان با آن مخالفت خواهند کرد و این، هم برای دولت افغانستان مشکل‌ساز می‌شود و هم حل کامل معضل دیورند را با ابهام همراه می‌سازد.

به این دلیل، یکی از عوامل عمده‌ای که در انتخابات ریاست جمهوری گذشته - با تمام

بازی خونین و پیچیده‌ای که نزدیک به نیم قرن در جغرافیایی به نام افغانستان جریان داشت، به پایان خود نزدیک است. این بدان معنا نیست که پایان این بازی به‌زودی و بدون مانع و چالش اتفاق خواهد افتاد؛ ولی این نکته روشن شده که پایان این بازی آغاز گردیده و رفته‌رفته، شدت و سرعت می‌یابد و بالاخره به انجام می‌رسد. این نوشته یک تحقیق نیست که بر مبنای امار و ارقام یا منابع و اطلاعات ثبت‌شده، استوار باشد؛ بلکه با توجه به معلومات موجود و قابل دسترس برای همه، در ابعاد مختلف، یک تحلیل از وضعیت کنونی و آینده احتمالی افغانستان در پیوند به مناسبات داخلی، نقش‌آفرینی در منطقه و حضور در خانواده جهانی است که نه به عنوان یک پیش‌گویی، بلکه به مثابه یک پیش‌بینی (با تأکید بر تفاوت پیش‌گویی و پیش‌بینی) مطرح می‌شود. قابل ذکر است که در بخش‌هایی از این نوشته، پرسش‌هایی در ذهن مخاطب ایجاد می‌شود که عمدتاً با اشاراتی به بخش‌های دیگر تلاش خواهد شد پاسخ‌ها ارایه شوند؛ ولی یک تصویر جامع، تنها در صورتی به‌دست می‌آید که از آغاز تا پایان، به این نوشته به عنوان یک تحلیل واحد نگریسته شود.

مشکلات عمده‌ای که هنوز بر سر راه عادی‌سازی روابط افغانستان و پاکستان وجود دارند، متعدد استند و ماهیت‌های متفاوتی دارند؛ اما بزرگ‌ترین‌های این مشکلات:

### - خط مرزی دیورند:

خط مرزی دیورند، از آغاز پیدایش پاکستان، به عنوان یک مشکل میان دو کشور همواره مطرح بوده است. از دید پاکستانی‌ها، این مسأله حل‌شده تلقی می‌شود و این خط، مرز





**فحمدرضا شالبافان**

ادبیات و به‌ویژه شعر در روزگار ما و حتا در روزگار پیش از ما، مانند تمام اجزای زنده‌گی در دنیای مدرن، به سمت رسانه‌یی شدن رفت و شاید به همین دلیل، به عقیده عده‌یی؛ دادگاه بزرگ خود، یعنی همان «تاریخ» را از دست داد.

در ادبیات کلاسیک و به‌ویژه در ادبیات سنتی فارسی، آسمان ادبیات برای خیلی‌ها سایه‌بان بود و شاید از هر قرن چندین نفر در خاطره ادبیات می‌مانند و با گذشت چندین قرن، «تاریخ» بر اساس مخاطب‌سنجی خاص خود و نه بر اساس تعداد مخاطبان عام، شاهدان را درجه‌بندی و دسته‌بندی می‌کرد.

اما ادبیات، پس از گسترش رسانه‌ها از این حالت خارج شد و خود، دسته‌بندی و درجه‌بندی شاعران را در فاصله‌یی اندک از خلق اثر ایشان بر عهده گرفت و جالب‌تر آن‌که ادبیات معاصر و رسانه‌هایش، به ادبیات کلاسیک هم رجوع کردند و خود را محقق دیدند که بر حکم دادگاه تاریخ ادبیات، مهر تجدید نظر بزنند.

این مسأله که بی‌تردید از سمت‌وسوی غرب جهان آغاز شد، به خوبی در اظهار نظرهای متفکران، ادیبان و مستشرقان غربی درباره شاعران سنتی پارسی‌گوی، خودنمایی می‌کند. ادبیات فارسی بی‌تردید در جهان، ماجرای شناخته شده و جریانی سیال است و این منحصر به دیروز نیست. حتا در قرن معاصر هم با وجود تک‌زبانه شدن دنیا (به مفهوم سوء آن) و سلطه زبان انگلیسی بر ادبیات و حتا در مواقعی سلطه فلسفه جهان، شاعران بسیاری به دنیا معرفی شدند و خود را به شعر جهان تحمیل کردند.

اما چرا در میان تمام شاعران نامدار پارسی‌گوی، «حکیم عمر خیام» جهانی‌ترین شاعر به شمار می‌آید؟

من در بزرگی خیام شک می‌کنم. از بضاعت بالای او در علم ریاضیات و محاسبات مشهورش در علم جبر - که البته به نایب «مثلت پاسکال - خیام» نام‌گذاری شده - تا شناخت دقیقش از چرخش کرات آسمانی که سبب شد دقیق‌ترین تقویم خورشیدی جهان را پایه‌گذاری کند، همه شاهد این هستند که این مرد، یگانه علوم زمانه خود بوده است. اما «خیام شاعر» در ادبیات فارسی تیغی است دو لبه. از یک موضع که همان موضع سنتی شعر فارسی است، شاید شاعری باشد که در کنار تمام دغدغه‌هایش، گاهی شعر هم می‌گوید و اتفاقاً به دلیل همین - شاید - کم‌توجهی خود به شعر، کوتاه‌ترین قالب را برگزیده است.

در این دیدگاه شاید شعر خیام سرشار باشد از پرسش‌هایی بی‌پاسخ و تردیدهایی بی‌دلیل که با رسالت سنتی ادبیات که بوستان سعدی را به کمال می‌ستاید و مثنوی معنوی را عاشقانه دوست می‌دارد، در تناقض بنیادین باشد.

در این نگاه، حتا انتهای داستان «کاو و ضحاک» شاهنامه به وضوح ستوده می‌شود، زیرا پیر توس با توصیه به مخاطبان خود برای ظلم‌ستیزی، «آفریدون» را هم مانند ایشان یک انسان معرفی کرده. این نگاه چنان در ادبیات ما پرسیاچه است که هنوز به عقیده من، مانع شده تا استادان دانشگاهی ادبیات به تحقیقی سترگ درباره رباعیات نه چندان پر حجم خیام بپردازند.

اما نگاهی دیگر که پس از آغاز دوران تجدد و در ذهن و زبان کسانی شکل گرفت که دیدگاه‌های مارکسیستی و چپ داشتند، بر همین مبنا، اما با نتیجه‌گیری کاملاً متفاوتی بود. در نگاه این جماعت، خیام تنها شاعر پارسی‌گوی بوده که در متن ادبیاتی ایدیولوژیک و شاعران متافیزیک‌دوستی (!) چون حافظ بر پایه‌های اعتقادی متافیزیک الهی علامت سوال گذاشته و با همین استدلال تنها شاعر مدرن و قابل پذیرش ادبیات کلاسیک فارسی را خیام می‌دانستند.

تقریباً این نگاه، بازخوردی بود از اقبال جهانی و یا بهتر بگوییم، غربی به ترجمه «فیتز جرال» معروف از خیام گمنام! ترجمه‌یی که به فاصله‌یی اندک کشورهای صنعتی اروپایی غربی و امریکا را درنوردید و به واسطه کوتاهی پاره‌ها، همان رباعیات، نقل زبان انگلیسی‌زبانان جهان شد. البته نباید از این نکته گذشت که برخی از ادیبان پارسی‌گوی نزدیک به همین نگرش، به سمت تحقیقاتی جامع درباره اشعار خیام رو آوردند که نمونه بارز آن‌ها هدایت بود که با تصفیه تعداد زیادی از رباعیات منسوب به خیام، او را شاعری کاملاً متشرع معرفی کرد.

خیام و ترجمه مذکور، به نوعی دروازه‌یی شد برای ورود ادبیات فارسی به اذهان جهان چشم‌سبزه‌ها. در این میان، باید به یک مغلظه مشهور اشاره کنم.

تا پیش از خیام، شاید تنها شاهنامه و آن‌هم به واسطه لزوم تطبیق اساطیر ملل در غرب شناخته شده بود و این‌که مشهور است که مثلاً حافظ بسیار بر «گوته» تأثیر داشته، به هیچ وجه دلیل بر حضور حافظ در میان آلمانی‌ها نیست.

هر چند به عقیده من هنوز، آن‌چنان که باید ادبیات ناب فارسی، غزلیات مولوی، سعدی، حافظ و بیدل در جهان منعکس نشده و نخواهد شد؛ زیرا ادبیات امروز، دقیقاً در حال طی کردن مسیری بر عکس جهانی‌سازی است. واقعیت آن است که شعر خیام، در متن سر درگمی و

دل‌زده‌گی جامعه صنعتی وارد بازار راکد غرب شد. جامعه غربی قرن‌های هجده و نوزده، آن‌قدر ساکن بود و آن‌قدر به بن‌بست رسیده بود که هر روز نظریاتی جدید را برای خود باآفرینی می‌کرد تا بهانه‌یی شود برای حرکت! درست مانند این‌که در یک برکه، ماهی‌ها با هم متحد شوند تا آب را به تموج درآورند، حال آن‌که مشکل از جای دیگری است. در همان اثنا بود که مکاتبی چون مارکسیسم هم با استفاده از همین رکود پا به عرصه وجود گذاشتند. این برداشت به واقع نادرست از نگاه خیام به دنیای شعر هم، بهانه‌یی شد برای همین تلاش‌ها که البته به ثمر هم نرسید و در نهایت جنگ‌های جهانی را به عنوان راه حل برگزید.

به عقیده نگارنده، هر دو برداشت یاد شده از «خیام شاعر» اشتباه است و در نهایت شهرتی هم که بر مبنای این دیدگاه‌ها در غرب برای خیام شکل گرفته، نمی‌تواند مایه افتخار باشد.

بدون تردید، مجال رباعی، از نظر عناصر ادبی با مجال قالبی چون غزل بسیار متفاوت است. تقریباً هم، در طول

به عضویت می‌پذیرفتند. با این همه رباعیات خیام در پیوندی عمیق میان فرم و محتوا به چیزی می‌رسد که به عقیده من، بر ادبیات پس از خود تأثیری پنهان می‌گذارد. در نهایت گریزی نیست از این‌که نگاهی هم به ویژه‌گی‌های شعر او داشته باشیم.

یاران موافق همه از دست شدند در پای اجل یکان یکان پست شدند خوردم ز یک شراب در مجلس عمر دوری دو سه بیش‌تر ز ما مست شدند

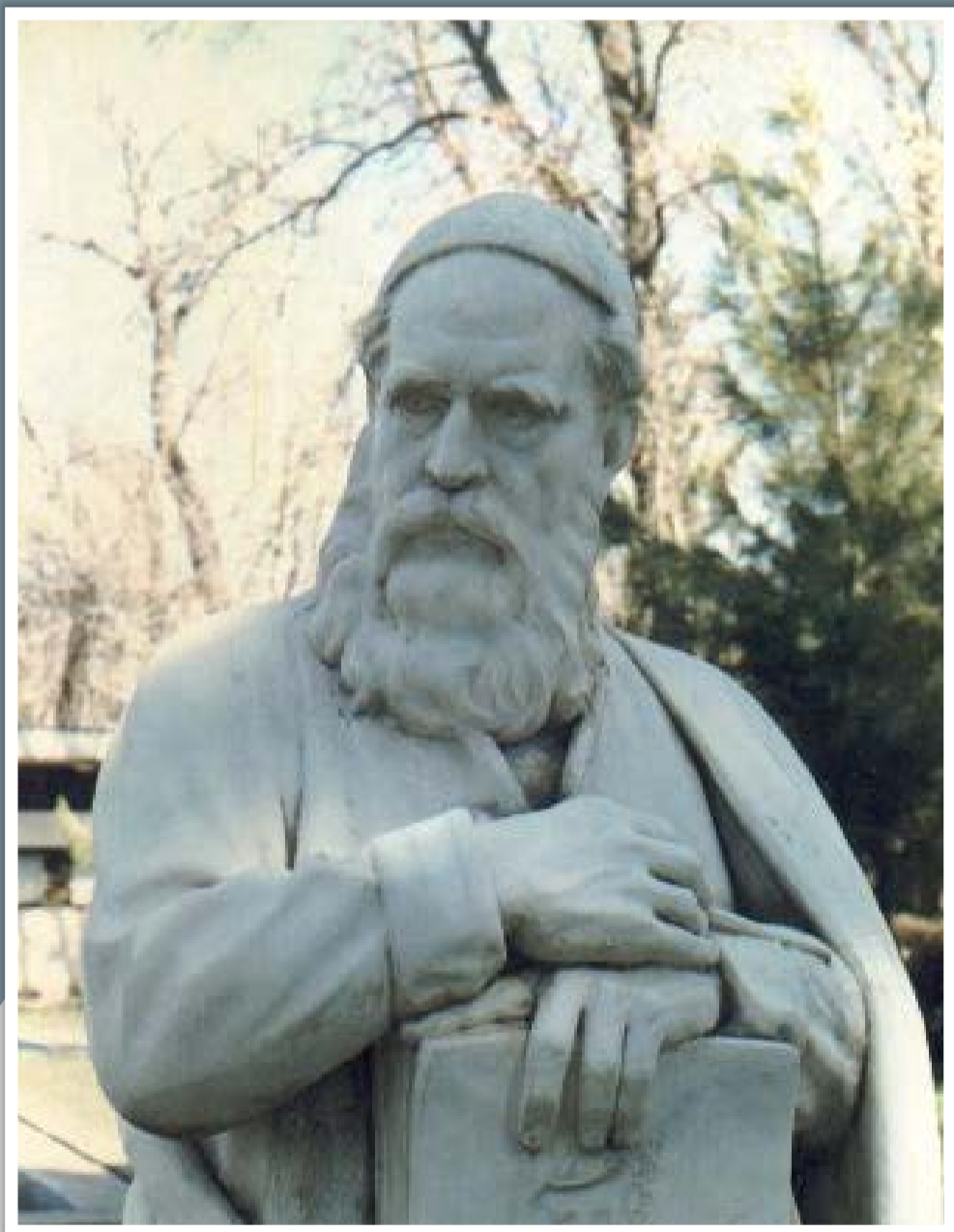
این رباعی، زیبایی است از «تشبیه چند عبارتی» مجلس عمر، به مجلس بزم تشبیه شده و با تقارن‌سازی عناصر، به ضربه پایانی مناسبی رسیده است.

آن کاخ که جمشید در او جام گرفت آهو بچه کرد و رو به آرام گرفت بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر دیدی که چه گونه گور بهرام گرفت

این رباعی بسیار مشهور به خوبی با بهره بردن از ابهام تناسب و جناس تام و با اشاره به اساطیر تاریخی

# خیام را

## دگرگونه باید دید



ایران‌زمین به شکلی جامع دست می‌یابد که از خواست محتوایی شاعر پا را فراتر می‌گذارد و امروز، بیت دوم آن فارغ از توصیه دوری از دنیاطلبی کل رباعی، برای هر اتفاق وارونه‌یی استفاده می‌شود.

اما ماجرای محتوای شعرهای خیام در نوع خود از عجایب روزگار است.

با توجه به بحث صنایع ادبی در شعر خیام که به آن اشاره شد و همچنین مجال اندک شعر برای بروز آن، خواه ناخواه محتوای شعر خیام تقریباً عریان دیده می‌شود و شاید به واسطه همین برخوردار بی‌پرده است که خیام با تمام پرسش‌گری خود، به بی‌دینی (!) متهم می‌شود.

خیامی که اتفاقاً بسیار از حکم دادن پرهیز می‌کند و به واقع محتوای شعر خود را در حریری از جنس پرسش

مطرح می‌کند. قومی متحیرند اندر ره دین قومی به گمان فتاده در راه یقین می‌ترسم از آن که بنادگ آید روزی کای بی‌خبران! راه نه آن است و نه این این رباعی خیام هم از جمله تأثیرهای او بر ادبیات پس از خود به شمار می‌آید که به وضوح در بیت زیر از حافظ به چشم می‌خورد.

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

در مقایسه این دو سخن، به وضوح احتیاط خیام در برابر رُک‌گویی حافظ به چشم می‌خورد. خیام تنها از احتمال گمراهی اهل فلسفه و اهل اشراق می‌ترسد، اما حافظ تمام هفتاد و دو ملت را گمراه معرفی می‌کند و حتا علت این

گمراهی را هم با طبع شاعرانه خود بیان می‌کند. اما بیت حافظ در میان ابیاتی تزیین شده و با آغازی عرفانی چون «دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند/ گل آدم بسرشتند و به پیمانه زدند» گم می‌شود و بدین ترتیب خیام، مانند همیشه و مانند دیگر شاعران پارسی‌گوی در برابر رندی حافظ کم می‌آورد. یا مثلاً تفکر اختلاط «عیش و عشق» که شاید از این رباعی و رباعیات مانند آن در زبان خیام آغاز شده، بارها در طول ادبیات فارسی تکرار می‌شود:

با سرو قدی تازه‌تر از خرمن گل از دست منه جام می و دامن گل زان پیش که ناگه شود از باد اجل پیراهن عمر ما چون پیراهن گل با همین نگاه است که سعدی می‌گوید:

من آن نی‌ام که حرام از حلال نشناسم که باده تو حلال است و آب بی‌تو حرام و حافظ هم به وضوح با نگاه از روی دست او می‌سراید: در مذهب ما باده حلال است و لیکن بی روی تو ای سرو گل اندام حرام است

ماجرای تفکر تزویرستیزی خیام هم که مشهور است و به وضوح تأثیرگذار بر ادبیات پس از خود: گر می نخوری طعنه مزن مستان را بنیاد مکن تو حيله و دستان را تو غره بدان مشو که می می‌نخوری صد لقمه خوری که می غلام است آن را و حافظ هم که می‌گوید:

عیب رندان مکن ای زاهد پاکیزه‌سرشت که گناه دگران بر تو نخواهند نوشت من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت

خلاصه آن‌که به عقیده من، محتوای شعر خیام، بر خلاف نظر هر دو گروه دانشگاهی و روشن‌فکر با محتوای شعرهای هنرمندانه دیگر شاعران بزرگ پارسی‌گوی تفاوت فاحشی ندارد.

البته از این بین، باید شعرهایی چون مدایح، بهاریه‌ها، تعلیمیه‌ها و دیگر شعرهای نه چندان ناب را استثنا کرد. تنها چیزی که سبب می‌شود این تفاوت، به اشتباه به نظر بیاید، آن است که رباعی خیام، به واسطه رابطه تاز عنکبوتی کلمات و شکل گرفتن در بستر ساختاری عمیق و منبعث از فرم، به عمد راه فراری برای خود، نمی‌گذارد، اما بقیه شاعران پارسی‌گوی و به‌ویژه در غزل با استفاده از ویژه‌گی ارتباط عمودی ابیات، دست خود را چه در طرح پرسش‌های بنیادین و چه حتا در نتیجه‌گیری‌های خلاف ذایقه جمع باز می‌بینند و از این راه فرار استفاده می‌کنند.

جای بسیار تعجب است که بسیاری از بزرگان ادبیات بر این شواهد چشم بسته‌اند و تعجب‌برانگیزتر آن‌که «دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی»، به گمانم، در ذیل غزل معروف:

روزها فکر من این است و همه شب سخنم که چرا فارغ از احوال دل خویشتم از کجا آمده‌ام؟ آمدنم بهر چه بود به کجا می‌روم، آخر نمایی وطنم می‌نویسد که این غزل در نسخه‌های قدیمی‌تر دیوان کبیر به چشم نمی‌خورد و البته تفکر تردید در برابر مقصد هم تفکر خیام است و نه تفکر مولانا!

اما نکته آخر آن‌که خیام در چند رباعی به خوبی از لحن طعن‌آمیز استفاده می‌کند و شگفتا که این شاه‌بیت غزل رباعیات خیام، کاملاً پنهان مانده است.

این بحث، مجال بسیار فراخ می‌خواهد و شواهدی متعدد از دیگر شاعران که در این مورد هم از خیام متأثر بوده‌اند، تنها به عنوان فتح باب در ذهن شما ادب‌دوستان عزیز، می‌توان به این رباعی اشاره کرد که:

گویند بهشت و حور عین خواهد بود آن جا می و جام و انگبین خواهد بود گرما می و معشوق گزیدیم چه باک چون عاقبت کار چنین خواهد بود

واضح است که در نگاه اول، این رباعی، خود را کفرآمیز می‌نمایاند، اما چنان‌چه با نگاهی عمیق‌تر، آن را بازخوانی کنیم، درمی‌یابیم خیام نیز مبلغ عشق الهی است و حربه او در این تبلیغ، کم کردن خوف و افزودن رجا در ذهن مخاطبان است.

مخاطبان است.



## آمادهٔ میانجی‌گری میان دولت…

بیش از یک میزبانی در این عرصه زمینه‌سازی کرده و تسهیلاتی را به وجود آورد.

همچنین نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان که چهارشنبه هفته گذشته وارد عشق‌آباد شد اذعان داشت که از تلاش‌های ترکمنستان برای حل صلح‌آمیز بحران افغانستان حمایت می‌کند.

نخست‌وزیر پاکستان در ملاقات با قربان‌قلی بردی محمداف رییس‌جمهور ترکمنستان، در عشق‌آباد گفت: اسلام‌آباد آماده همکاری با ترکمنستان برای حل بحران افغانستان از طریق دیپلماتیک و مذاکره است.

## فساد در ادارهٔ آیسا بررسی…

حقوقی و اداری ادارهٔ حمایت از سرمایه‌گذاری در افغانستان (آیسا) بحث و گفت‌وگو صورت گرفت.

براساس خبرنامهٔ ارگ، در این جلسه پست‌های سرپرست و معاونین ادارهٔ آیسا به حالت تعلیق آورده شدند و رییس‌جمهور هدایت داد تا هیأتی جهت تفتیش و بررسی فساد در ادارهٔ آیسا توظیف گردد.

رییس‌جمهور غنی هدایت داد تا از تصرف و مداخلهٔ وزراء در پست‌های رقابتی جلوگیری صورت گیرد و وزارت تجارت و صنایع چند تن کاندید را بر اساس شایسته‌گی و کیفیت طرح پیشنهادی این کاندیدان برای ریاست این اداره پیشنهاد نمایند.

همچنان، به وزارت عدلیه هدایت داده شد تا یک طرح اساسی را جهت تعیین شخصیت حقوقی ادارهٔ آیسا آماده سازد.

رییس‌جمهور غنی ورود افراد مسلح به ادارات ملکی را غیر قابل قبول دانست و هدایت داد تا در مورد قضیهٔ ورود افراد مسلح به ادارهٔ آیسا بررسی جدی صورت گیرد و عاملین این قضیه تحت تعقیب قانونی قرار گیرند.

در این حال، محمد اشرف غنی وظایف شش نفر از رؤسای وزارت شهرسازی را به اتهام دست داشتن در فساد به حالت تعلیق درآورد و آن‌ها را ممنوع‌الخروج اعلام کرد.

## قزاقستان و ترکمنستان علیه پیشروی

### احتمالی طالبان متحد می‌شوند

نماینده‌گان پارلمان قزاقستان پیش‌نویس توافقنامه بین دولت این کشور و ترکمنستان در زمینه اقدامات مشترک برای جلوگیری از حوادث مرزی بویژه در مقابل حملات احتمالی طالبان را تصویب کرد.

به گزارش ولاست.ک.ز، دارخان دیلمانوف معاون رییس کمیتهٔ امنیت ملی قزاقستان و مدیر خدمات مرزی این کشور ضمن اشاره به تهدیدات احتمالی علیه مرز ترکمنستان با افغانستان، تصریح کرد: طالبان برای بی‌ثبات کردن اوضاع در این مناطق تلاش خواهد کرد.

این مقام امنیتی قزاق افزود: شبه‌نظامیان طالبان در نظر دارند تا از این طریق، ترانزیت مواد مخدر به آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را انجام دهند که در این زمینه نیاز است تا نماینده‌گان مجلس قزاقستان پیش‌نویس توافقنامه مذکور را تصویب کنند. به گفته وی، این لایحه ضمن تدوین چارچوب قانونی برای همکاری مرزی بین قزاقستان و ترکمنستان، پایه و اساسی برای فعالیت های نماینده‌گان مرزی ۲ کشور فراهم می‌کند.

دیلمانوف اظهار داشت: بندهای اصلی این توافقنامه شامل: اتخاذاقدامات لازم برای جلوگیری از حوادث مرزی، کنترل این حوادث در صورت بروز و رعایت قواعد عبور از مرز دولتی در پست‌های بازرسی می‌باشد.

معاون رییس کمیته امنیت ملی قزاقستان اضافه کرد: در این زمینه مقامات مربوطه باید اقدامات لازم را برای مبارزه با قاچاق اسلحه، مهمات، مواد مخدر، مواد روان‌گردان، عتیقه و ارز و همچنین قاچاق مواد رادیو اکتیو، اتخاذ کنند تا سبب تضمین ثبات در مرزها و تحرک همکاری‌های مرزی شود.

وی همچنین گفت: این پروژه مطابق با قانون مرزی اجرا خواهد شد و هزینه‌های مالی اضافی از بودجه ملی نیاز ندارد. همکاری مرزی قزاقستان و ترکمنستان در زمینه مقابله با تهدیدات طالبان در حالی است که اخیرا این ۲ کشور در زمینه تعیین حدود مرز خود در دریای خزر توافق کردند. در این رابطه مجلس قزاقستان روز گذشته پیش‌نویس قانون تصویب توافقنامه بین جمهوری قزاقستان و ترکمنستان در زمینه تعیین حدود مرزی بین ۲ کشور در دریای خزر را تأیید کرد.

در خصوص تعیین مرز دریایی میان قزاقستان و ترکمنستان در دریای خزر، بیش از ۱۰ سال است که مذاکرات بین ۲ دولت در جریان بوده است.

هدف اصلی این توافقی، تعیین حدود بستر دریا و منابع این منطقه از دریای خزر بین قزاقستان و ترکمنستان به منظور حصول اطمینان از شرایط مناسب برای حق حاکمیت ملی جهت استفاده این منابع، عنوان می‌شود.

# جنگ کندز ده‌ها هزارتن را آواره کرده است

به دست می‌آورند.

موجودیت افراد ملکی در سرتاسر ساحات جنگی یکی از عوامل عمده‌یی است که مانع تاکتیک‌ها و پیشرفت نیروهای حکومتی می‌شود. مقامات می‌گویند که آنچه در عملیات اردو مشکل ایجاد می کند، تنها فقدان تجهیزات و یا نبود حمایت هوایی نیست، بلکه حضور جنگجویان در خانه‌های مردم و ترس از این می‌باشد که مبدا جنگ موجب تخریب گندمزار ها در آستانه فصل برداشت حاصلات شود.

عبدالصبور نصرتی قوماندان پولیس ولایت اعتراف می‌کند که «پیشرفت آهسته است». او می‌گوید: «برای جلوگیری از تلفات ملکی ما نمی‌توانیم از توپ خانه سنگین استفاده کنیم و ما حمایت هوایی نداریم.» زیرا بعد از برگشت نیروهای جنگی بین‌المللی مانند ایالات متحده امریکا و ناتو در سال گذشته، عملیات آن‌ها به نقش آموزشی و حمایتی مبدل شد. «این امر افراد ما را در صحنه جنگ را نهایت محتاط گردانیده است و عملیات را بطی ساخته است.»

طبق اظهار لارنت گابریل، بین ۲۴ اپریل که طالبان حمله بهاری شان را اعلام کردند و ۱۱ می، در یگانه شفاخانه کندز که مخصوص شکسته‌گی و زخم است و توسط سازمان دولتی فرانسوی «داکتران بدون مرز» اداره می‌شود، جمعا ۲۰۴ زخمی جنگی مراجعه کرده اند. گابریل که هم‌آهنگ سازنده این پروژه می‌باشد، می‌گوید: «در یک هفته، بین ۱۱ تا ۱۷ می، ۸۴ نفر به علت زخم های جنگی مراجعه کردند که این رقم دو چند کسانی می باشد که در عین هفته در سال گذشته مراجعه کرده بودند.»

مریضان بستری از خشونت‌های جنگ حکایت می‌کنند. نصرالله که ۱۷ سال دارد، روز ۱۷ می از مکتب به خانه می‌آمد که زخمی شد. او در ولسوالی امام صاحب واقع در شمال شهر کندز که بدترین جنگ جریان داشت، در بین آتش گیر ماند. نصرالله می‌گوید: «من صدای تفنگ را شنیدم اما، آهسته شد، فکر کردم خلاص شد، به راه خود ادامه دادم.» سرانجام سه مرمی در پای چپ او اصابت کرد که اکنون تثبیت و پلاستر شده و آویزان می باشد و یک مرمی در پای راستش اصابت کرده است.

در بستر طرف راست او عبدالروف، مامور پولیس قرار

سبب شده که از این طبقه سوء استفاده صورت گیرد.

او تأکید کرد: در امر جلوگیری از گروه‌هایی‌که کودکان را در حملات انتحاری، قاچاق و فروش مواد مخدر و … استفاده می‌کنند، تمام اداره‌های مبارزه با موادمخدر و به ویژه پولیس جدی عمل می‌کند.

### مشکلات کودکان ناشی از فقر است

در این حال، اداره یونیسف یا صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد می‌گوید که به دلیل فقر و ناداری از کودکان در افغانستان سوء استفاده می‌شود.

عزیز فروتن سخنگوی یونیسف (صندوق بین‌المللی کودکان) به روزنامهٔ ماندگار گفت که مشکلات کودکان در افغانستان نگران‌کننده است و اداره‌هایی‌که در بخش آسیب‌پذیری کودکان کار می‌کنند، در تلاش مهار ساختن مشکلات کودکان استند.

آقای فروتن گفت: عواملی‌که کودکان را در افغانستان به کارهای شاقه، تکدی‌گری و فروش مواد مخدر وا می‌دارد فقر است؛ تا فقر در افغانستان از بین نرود مشکلات کودکان ادامه خواهد داشت.

سخنگوی صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد گفت: «کودکان وقتی در جنگ پدر خود را از دست می‌دهند و در فامیل بی‌سرپرست می‌شوند؛ مسوولیت فامیل به دوش‌شان می‌آید؛ بنا مجبور به انجام کارهای شاقه و تکدی‌گری می‌شوند و یا هم در فروش و قاچاق موادمخدر از طرف گروه‌های مخالف مورد استفاده قرار می‌گیرند.»

آقای فروتن گفت: ادارهٔ یونیسف با همکاری وزارت کار و امور اجتماعی به‌خاطر هم‌آهنگ‌سازی برنامه‌های کاری و آموزشی برای کودکان، در تلاش است تا این برنامه‌ها را در ولایت مختلف برای کودکان راه‌اندازی کند.

او گفت: رسانه‌ها در چند ولایت بزرگ مشکلات کودکان را بازتاب می‌دهند، ولی کودکان محروم در ولسوالی‌های دوردست همیشه از چشم رسانه‌ها و مسوولان پنهان می‌مانند.

آقای فروتن افزود: یونیسف زمینه‌سازی می‌کند تا کودکانی‌که از درس و تعلیم محروم هستند، بتوانند به درس دسترسی پیدا کنند و در مناطقی‌که مکتب وجود ندارد، مکتب اعمار می‌کند.

سخنگوی یونیسف گفت: «برای کودکانی‌که در قریه‌ها استند و به مکتب دست‌رسی ندارند، مکتب محلی تا صنف سوم و چهارم ایجاد می‌کنیم و دخترانی‌که سن‌شان کلان است و در صنوف پایین استند، صنف‌های ویژه‌یی را ایجاد می‌کنیم تا بتوانند در یک سال دو صنف را به شکل اختصاصی بخوانند.»

او اضافه کرد: برنامه‌های ادارهٔ یونیسف در بخش صحت، همکاری با شفاخانه‌ها، تطبیق برنامه‌های واکسیناسیون، حفظ و مراقبت کودکان از مصاب شدن به امراض در محیط

زیست و تهیهٔ آب صحنی در مکاتب است.

آقای فروتن گفت: در ولایت‌های دوردست برای کودکانی‌که در معرض خطر هستند، یا مورد تجاوز قرار گرفته و به ازدواج اجباری مجبور شده‌اند، برنامه‌هایی را روی دست دارند تا آنان مورد حمایت قرار گیرند.

### نبود حمایت از قانون حق کودک

اما برخی جامعه شناسان ضمن این‌که وضعیت کودکان را در افغانستان نگران‌کننده عنوان می‌کنند، می‌گویند که در این کشور از «قانون حق کودک» حمایت نمی‌شود.

دکتر سیدعسکر موسوی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه می‌گوید: در افغانستان قانون جنبهٔ اجرایی بسیار کم دارد؛ چون نظام اجرایی قانون ضعیف است و حمایت از قانون صورت نمی‌گیرد.

این استاد جامعه شناسی می‌گوید: «قانون منع خشونت علیه زنان و قانون منع کارهای اجباری بالای کودکان» شکل اجرایی را در افغانستان ندارد و پولیس که مجری قانون است، از قانون حمایت نمی‌کند. مثلا در قتل فرخنده دیدیم که حمایت از قانون نشد.»

این استاد پیشین دانشگاه آکسفورد گفت: در افغانستان دولت بی‌خبر از مردم است؛ ناآگاهی، بی‌سوادی، فقر اقتصادی و نداشتن یک نظام پابند به‌قانون می‌تواند زمینهٔ استفادهٔ سو از کودکان را مساعد بسازد که یکی از نمونه‌های آن «بچه‌بازی» است.

این جامعه‌شناس تأکید کرد: بحث کودکان در رسانه‌ها باید به یک فرهنگ تبدیل شود و به مسوولان حفاظت از کودکان به ویژه پولیس تفهیم شود که اجرای قانون به نفع کودکان تمام می‌شود.

پیش از این، علی افتخاری سخنگوی وزارت کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولان افغانستان، به روزنامهٔ ماندگار گفته بود که از شش‌ونیم میلیون کودک آسیب‌پذیر، تنها سه‌ونیم میلیون، تحت پوشش برنامه‌های حمایتی دولت قرار دارند.

آقای افتخاری گفته بود که ما در مراکز ولایات، مرکز حمایت از کودکان داریم و کودکان آسیب‌پذیر در دوازده و نیم هزار پرورشگاه‌های مربوط وزارت کار و امور اجتماعی در سطح کشور جذب می‌شوند.

سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی همچنان از یک برنامهٔ مشترک با بانک جهانی خبر داده بود که براساس آن، در دور دست‌ترین ولسوالی‌ها و ولایات محروم به کودکان آسیب‌پذیر کمک صورت می‌گیرد.

سخنگوی وزارت کار و امور اجتماعی افغانستان، مشکل اساسی آسیب‌پذیری کودکان را در میزان بلند ولادت‌ها در خانواده‌ها و فقر عنوان کرده بود.

<sup>[1]</sup> جنگ در ولایت قندوز مردم غیرنظامی زیادی را بیجا کرده

<sup>[2]</sup> است. آن‌ها در آستانهٔ برداشت حاصلات کشت و کار از خانه‌های‌شان دور اند و نمی‌دانند که چه زمانی وضعیت کاملاً امن می‌شود





# افغانستان، لائوس را شکست داد



تیم ملی فوتبال افغانستان شام روز گذشته در یک بازی دوستانه، تیم لائوس را دو- صفر شکست داد. در این بازی که در مرکز لائوس برگزار شده بود، افغانستان در یک بازی برتر توانست از صد این کشور بگذرد. گول‌های افغانستان را در این بازی، فیصل شایسته و شبیر یوسفی به ثمر رسانیدند. پس از این پیروزی، تیم افغانستان راهی بنگله‌دیش خواهد شد و با آن کشور یک دیدار دوستانه برگزار خواهد کرد. افغانستان به منظور راه یابی به جام جهانی ۲۰۱۸ در بازی‌های مقدماتی قرار است با کشورهای جاپان، سوریه و کامبوج به رقابت بپردازد. میزبان افغانستان در این بازی‌ها کشور ایران و ورزشگاه آزادی تهران و ورزشگاه مشهد خواهد بود. تیم ملی فوتبال کشور با این ترکیب در مقابل لائوس قرار گرفت. دروازه‌بان: فردین کوهستانی ۳۵ مدافعان: انوش دستگیر ۶، جلال شریعتیار ۱۶، ضمیر داوودی ۵، مصطفی حدید ۲۰

هافبک‌ها: آرش هاتفی ۱۸، اباسین علی خیل ۲، عصمت شینواری ۱۹، شبیر یوسفی ۲۵، مصطفی خاخی ۲۲ مهاجم: فیصل شایسته ۸ بازیکنان ذخیره دروازه بانان: منصور فقیریار ۱، مرتضی علی بیگ ۳۴ مدافعان: کنشکا طاهر ۲۱، نوید نام ۱۴، سید محمد هاشمی ۱۳، سباوون قیوم ۴، هافبک‌ها: مدثر ذکریا ۱۵، نورالله امیری ۹، انور اکبری ۱۲، فردین حکیمی ۲۵ نخستین بازی افغانستان افغانستان در اولین بازی رسمی خود در مقدماتی جام جهانی، ۲۱ جوزا در ورزشگاه مشهد در برابر سوریه قرار خواهد گرفت. انتظار می‌رود مهاجرین افغانی مقیم ایران از تیم ملی کشور استقبال گرم به عمل آورند. پیش از این، در بازی تیم ۲۳ ساله‌های افغانستان، دست‌کم ۸۰ هزار مجاهر افغانی به استقبال تیم ملی کشور به ورزشگاه آزادی تهران رفتند که این از حیث تماشگران یک ریکورد در تاریخ تیم ملی کشور محسوب می‌شود. حضور پر شور مهاجرین در این بازی، شهروندان ایران را شوکه کرد!

بالاتر:

## اگر نام ۲ کشور دیگر از پکت درمی آمد دیگر این بحث‌ها مطرح نمی‌شد!

رییس ۷۹ ساله فدراسیون جهانی فوتبال به منتقدان اعطای میزبانی جام جهانی به کشورهای روسیه و قطر طعنه زد. سب بالاتر ظهر روز جمعه در مقر فیفا واقع در شهر زوریخ سوئیس در شصت و پنجمین اجلاس سالانه این نهاد، با اشاره به تهدید اسپانسرهای اصلی فیفا به قطع همکاری گفت: بدون شرکای تجاری، فیفا هرگز به اینجا نمی‌رسید.

پس از دستگیری شماری از اعضای هیئت ریسه فدراسیون جهانی فوتبال (فیفا)، اعضای کمیته اجرایی این فدراسیون و برخی از بازاریابان فیفا، آشفتگی‌های زیادی به وجود آمده است. این آشفتگی به جایی رسید که اسپانسرهای فیفا از جمله ویزا، هیوندای، مک دونالد، آدیداس، کواکولا و گاز پوم تهدید کردند با این شرایط همکاری‌شان را با این نهاد قطع خواهند کرد و حاضر به ادامه همکاری نیستند. اگر این اتفاق رخ دهد فیفا ضرر مالی کلانی خواهد کرد. رییس فیفا عنوان کرد: ژانو هاوانا، رییس پیشین فیفا یکبار به من گفت شما از فیفا یک گول ساخته‌اید. فیفا حالا تبدیل به یک کمپانی بزرگ شده است و شما اعضای محترم فیفا مالکان این کمپانی هستید. شما اعضای کنگره را انتخاب کردید و اعضای انتخاب شده هم ریسی را برای خود برگزیدند.

وی در خصوص بحث‌ها و اعتراض‌هایی که مبنی اعطای میزبانی جام جهانی ۲۰۱۸ به روسیه و ۲۰۲۲ به قطر مطرح است، با کنایه به منتقدان گفت: اگر نام دو کشور دیگر از پکت در می‌آمد فکر می‌کنم دیگر این مشکلات و این بحث‌ها مطرح نمی‌شد! (و سپس سکوتی معنی‌دار!)

بالاتر عنوان کرد: از شما خواهش می‌کنم به فیفا کمک کنید تا دوباره به مسیر درست خود بازگردد و قایتان به سلامت و آرامش و به ساحل برسد.



هشدار مسی به هم تیمی‌هایش:

## یوونتوس را دست‌کم نگیرید!

سوپرستار آرژانتینی بارسلونا به هم تیمی‌هایش هشدار داد که جدال آسانی در فینال لیگ قهرمانان اروپا در مصاف با یوونتوس ندارند. تیم‌های فوتبال بارسلونا و یوونتوس در حالی در تاریخ ۶ جون ۲۰۱۵ (۱۶ خرداد ۹۴) در فینال لیگ قهرمانان اروپا در ورزشگاه المپیکو شهر برلین به مصاف هم می‌روند که هر دو تیم شانس تصاحب سه‌گانه قهرمانی را دارند. بانوی پیر تا به اینجای فصل قهرمانی در رقابت‌های سری A و جام حذفی ایتالیا را به دست آورده و اگر موفق به شکست کاتالان‌ها شود سه‌گانه قهرمانی ایتالیا و اروپا را تصاحب خواهد کرد. در سویی دیگر بارسلونا در صورت پیروزی بر بلبائو در فینال جام حذفی که قرار است ساعت ۲۴ امروز (شنبه) در نیوکمپ برگزار شود می‌تواند پس از لالیگا به دومین قهرمانی فصل خود برسد و کام بلندی برای تصاحب سه‌گانه قهرمانی بردارد.

لیونل مسی با هشدار به هم تیمی‌هایش در دست‌کم نگریدن قهرمان ایتالیا در فینال لیگ قهرمانان اروپا گفت: ما با حریف خیلی قدرتمندی مصاف خواهیم کرد. یوونتوس به لحاظ فیزیکی تیم قدرتمندی است و بازیکنان بزرگی چون کارلوس توس دارد. به هر حال در بازی فینال هر اتفاقی ممکن است رخ دهد ولی ما خودمان را برای این بازی آماده می‌کنیم و کار عادی خود را انجام می‌دهیم.

اگر بارسلونا موفق به شکست یوونتوس شود مسی ۲۷ ساله برای چهارمین بار قهرمانی در لیگ قهرمانان اروپا را تجربه خواهد کرد و شانس این ستاره آرژانتینی را برای تصاحب عنوان بهترین بازیکن در سال ۲۰۱۵ را در رقابت با رقیب سرسختی همچون کریستیانو رونالدو افزایش خواهد داد.



# امشب بارسلونا قهرمان خواهد شد؟

کوپادلری شناخته می‌شود. در سمت مقابل هم اتلتیک بلبائو با ۲۳ قهرمانی در این رقابت‌ها پس از بارسلونا و بالاتر از رئال مادرید (با ۱۹ قهرمانی) دومین تیم پرافتخار جام حذفی اسپانیاست. شاگردان ارنستو والرده اما در شهر بارسلون قهرمانی‌های بیشتری از میزبان خود در فینال جام حذفی کسب کرده‌اند. نماینده ایالت باسک در کاتالونیا شش بار قهرمان جام حذفی شده و این در حالی است که بارسا در ایالت خود چهار بار این افتخار را تجربه کرده است. هر نتیجه‌ی که در بازی فردا شب رقم بخورد، شکست ناپذیری یکی از دو تیم در بازی‌هایی که در شهر بارسلونا به عنوان فینالیست جام حذفی به میدان رفته‌اند به پایان خواهد رسید. تا پیش از این نه بارسلونا و نه اتلتیک بلبائو در آن دسته از فینال‌های جام حذفی اسپانیا که در شهر بارسلون برگزار شده است، نباخته‌اند.

بارسلونا در شهر خودش تا به حال چهار بار قهرمان جام حذفی اسپانیا شده است که تنها یکی از آنها در سال ۱۹۶۳ با پیروزی ۳ بر یک برابر رئال ساراگوسا در ورزشگاه نیوکمپ رقم خورده است. سه قهرمانی دیگر بارسا در شهر خودش در سال‌های ۱۹۵۷ (برابر اسپانیول) در ورزشگاه المپیک بارسلونا و سال‌های ۱۹۱۲ و ۱۹۱۳ در کمپ قدیمی دلا ایندوستریا به ترتیب برابر خیمناسیتیکا مادرید و رئال سوسیه‌داد به ثبت رسیده است.

در طرف مقابل اتلتیک بلبائو، هرگز در ورزشگاه نیوکمپ قهرمانی در جام حذفی را تجربه نکرده است و چهار قهرمانی از شش قهرمانی‌اش در شهر بارسلونا (۱۹۳۰، ۱۹۳۳، ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵) را در ورزشگاه موتونویچ و دو قهرمانی دیگر (۱۹۲۳ و ۱۹۱۷) را به ترتیب در ورزشگاه‌های لس کورتس و کارر موتانز کسب کرده است.

به این ترتیب بلبائو در صورتی که فردا شب موفق به شکست بارسلونا شود برای اولین بار جشن قهرمانی کوپادلری را در ورزشگاه نیوکمپ برگزار می‌کند. فینال جام حذفی اسپانیا از اولین دقیقه بامداد امروز (شنبه) در ورزشگاه نیوکمپ برگزار خواهد شد.

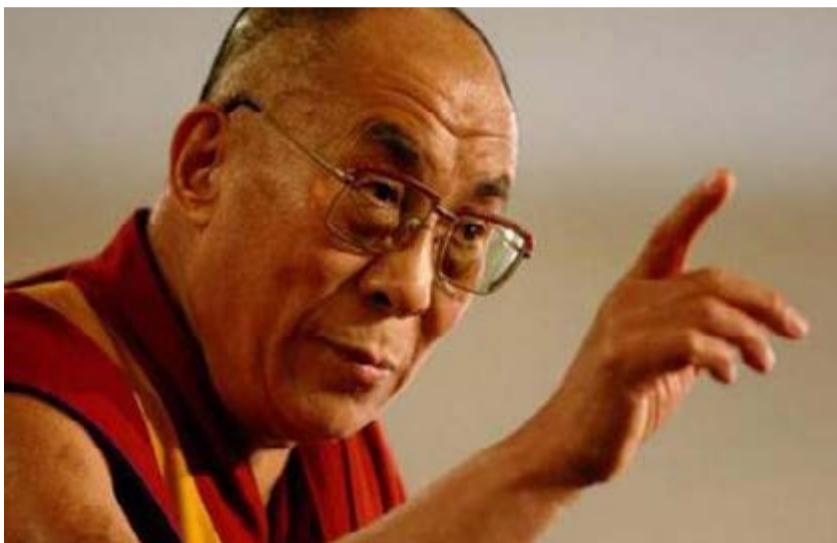


تیم فوتبال بارسلونا در شرایطی به مصاف اتلتیک بلبائو می‌رود که تا به حال سابقه نداشته در فینالی از جام حذفی اسپانیا که در خانه‌اش برگزار شده است، با قرمزوسفیدپوشان باسک روبرو شود. بارسلونا، قهرمان لالیگا در فصل ۱۵-۲۰۱۴ برای کسب دومین جام از سه جامی که در این فصل می‌تواند کسب کند، امشب (شنبه) در حالی در ورزشگاه نیوکمپ فینال جام حذفی اسپانیا موسوم به کوپادلری را برابر اتلتیک بلبائو برگزار می‌کند که این اولین رویارویی دو تیم در فینال رقابت‌هاست. بارسلونا که آخرین بار در سال ۲۰۱۲ قهرمان جام حذفی اسپانیا شد تاکنون در مجموع ۲۶ بار فاتح این رقابت‌ها شده است و به عنوان پرافتخارترین تیم در



## انتقاد دالایی لاما

### از سکوت سوچی در قبال سرکوب مسلمانان میانمار



دالایی لاما، رهبر معنوی در تبعید بوداییان تبت از آنگ سان سوچی، رهبر مخالفان در میانمار خواسته است تا در حمایت از مسلمانان روهینجا در این کشور بیشتر فعال باشد و کاری انجام دهد.

دالایی لاما در مصاحبه با روزنامه استرلین (استرالیایی) گفت که وی در گذشته نیز در این باره با سوچی صحبت کرده و هنوز امیدوار است که رهبر مخالفان میانمار درباره وضعیت مسلمانان دست به کاری بزند.

سوچی معمولاً از موضع گیری صریح در قبال خشونت‌های قومی کشورش خودداری کرده است. وی اخیراً به خبرنگاران گفت دولت باید این مساله را حل کند و از پاسخگویی به پرسش‌های آنها درباره خشونت‌ها علیه مسلمانان میانمار خودداری کرد.

منتقدان، آنگ سان سوچی را که برنده جایزه صلح نوبل هم شده، متهم می‌کنند که در مورد حقوق اقلیت مسلمان

روهینجا سکوت اختیار کرده است. حزب سوچی در نوامبر امسال باید در انتخابات پارلمانی این کشور شرکت کند و به گفته شماری از ناظران، سکوت سوچی در این مورد به این دلیل است که رای اکثریت جمعیت بودایی کشور را از دست ندهد.

مسلمانان روهینجا عمدتاً در ولایت راخین در غرب میانمار ساکن هستند و اغلب با تبعیض رو به رو می‌شوند. آنها شهروند میانمار محسوب نمی‌شوند و بسیاری از مردم میانمار، مسلمانان ساکن ایالت راخین را مهاجران غیرقانونی از بنگلادش می‌دانند.

خشونت‌های قومی میان بوداییان که اکثریت جمعیت میانمار را تشکیل می‌دهند و اقلیت مسلمان روهینجا صدها کشته بر جای گذاشته و هزاران تن خانه و کاشانه خود را از دست داده و آواره شده‌اند. صدها تن از مسلمانان میانمار که با فرار از این کشور درصدد پناهندگی از یک کشور خارجی بودند، در نزدیکی سواحل تایلند در دریا سرگردان مانده‌اند.

سوچی به عنوان رهبر اصلی‌ترین حزب اپوزیسیون میانمار موسوم به «لیگ ملی برای دموکراسی» که سال‌ها در حبس خانگی به سر برده است، دو سال پیش گفته بود که خشونت‌های قومی در کشورش علیه مسلمانان پاکسازی قومی نیست.

## آخرین شهر ولایت

### ادلب سوریه نیز

### سقوط کرد



منابع سوری اعلام کردند گروه تروریستی النصره به همراه دیگر گروه‌های همپیمان خود شهر اریحا را نیز به کنترل خود درآوردند و با این کار آخرین شهر این ولایت شمالی نیز سقوط کرد.

به گزارش شبکه اسکای نیوز عربی، شهر اریحا در شمال غرب سوریه، آخرین شهر در ولایت ادلب محسوب می‌شد که کنترل آن همچنان در دست دولت سوریه بود و شامگاه پنجشنبه در یک عملیات سریع به دست ائتلاف نظامی موسوم به «جیش الفتح» افتاد.

بنا بر اعلام دیدبان حقوق بشر، تعداد زیادی از نیروهای دولتی سوریه که از دیگر شهرهای استان ادلب عقب نشینی کرده بودند در شهر اریحا مستقر شده بودند و سقوط آن ظرف چند ساعت مساله‌ای غیر عادی است.

ائتلاف نظامی جیش الفتح که علاوه بر گروه تروریستی النصره (شاخه سوری القاعده) از چند گروه همفکر آن از جمله احرار الشام تشکیل شده برای منظم کردن عملیات گروه‌های مخالف علیه دولت سوریه در شمال غرب و ساحل این کشور ایجاد شد.

بنا بر این گزارش، اکنون در ولایت ادلب تنها یک پادگان نظامی و دو روستا در کنترل نیروهای دولتی باقی مانده و این نیروها به سمت غرب عقب نشینی کرده‌اند.

## ریاست جمهوری مادام‌العمر!



این تغییرات موجب افزایش اختیارات قربانقلی بردی محمداف، رئیس‌جمهوری ۵۷ ساله ترکمنستان می‌شود. وی که یک استاد یار دندانپزشکی است، پس از مرگ ناگهانی صفرمراد نیازف در سال ۲۰۰۶ پس از ریاست جمهوری رسید.

پس از مرگ نیازوف، بر اساس قانون اساسی اداره کشور پس از مرگ یا برکناری رئیس‌جمهور بر عهده شورای امنیت ملی قرار می‌گرفت و گمان می‌رفت «عوض گلدی آتایف» که ریاست شورای امنیت ملی را بر عهده داشت به قدرت برسد، اما ناگهان پرونده‌های جنایی آتایف گشوده و از صفحه قدرت کنار زده شد و وی شانس به دست گرفتن قدرت را از دست داد.

در ۲۶ دسامبر سال ۲۰۰۶ قربانقلی بردی محمداف در مجلس شورای ملی با حمایت اکثریت نمایندگان نامزدی خود را برای تصدی ریاست جمهوری ترکمنستان اعلام و در ۱۱ فوریه سال ۲۰۰۷ با به دست آوردن بیش از ۸۹ درصد کل آراء به عنوان دومین رئیس‌جمهوری ترکمنستان انتخاب شد.

قانونگذاران در کشور آسیای مرکزی ترکمنستان در حال بررسی لغو قانون ممنوعیت انتخاب افراد ۷۰ سال به بالا به عنوان رئیس‌جمهور هستند؛ تغییری که به رهبر کنونی عشق‌آباد اجازه می‌دهد تا پایان عمر قدرت را در دست داشته باشد.

به گزارش خیرگزاری اسوشیتدپرس، رئیس پارلمان ترکمنستان روز جمعه همچنین اعلام کرد که کمیسیون قانون اساسی ممکن است که دوران ریاست جمهوری را برای دو سال دیگر تمدید کرده و آن را هفت ساله کنند.

## روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفاتر خارجی  
سه ماهه - ۱۰۰ دالر  
شش ماهه - ۲۰۰ دالر  
نه ماهه - ۳۰۰ دالر  
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسیده به منزل یا دفاتر  
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی  
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی  
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی  
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی  
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: ۰۷۸۴۳۰۱۶۴۰ - ۰۷۷۶۹۳۰۵۶۵